تاریخچه سیاست قاجاریه

درگاهی کرمانی

مقالهء ذیل در سال گذشته بادارهء مجلهء آینده رسیده است اما بواسطهء اینکه در آن موقع مملکت در کشمکش تغییرات سیاسی بود و ما میخواستیم بیطرف بمانیم از درج آن تا بامروز خودداری کردیم.حال‏ که قضیه حل شده است از لحاظ تاریخی بطبع آن مبادرت میکنیم.

اگر چه بنابر مثل مشهور«اذکر و اموتیکم بالخیر»شاید تعرض‏ بگذشتگان در نظر عالیجنابانه بزرگان مستحسن و مطلوب نباشد ولی برای‏ عبرت معاصرین خاصه زمامداران و اجتناب از مفاسدی که سبب انقراض‏ خاندان‏ها میشود بیان حقایق تلخ مطلوب و مطبوع است.باین لحاظ بذکر خلاصهء تاریخ قاجاریه از نظر اصول نه بسط وقایع و حوادث‏ میپردازیم.

\*\*\*

غا محمد خان‏ و سلطنت قاجاریه

سلطنت قاجاریه از آغا محمد خان شروع شده در 1210 هجری سر سلسله قاجار بعد از ارتکاب‏ فجایع و شنایع بیشماری تاج‏گذاری نمود.اصول‏ آغا محمد خان ترکیبی است از شقاوت و خونریزی‏ چنگیزی و فجور و سالوسی و ریاکاریهای شاه سلطان حسین مرحوم.قتل‏ عام اهالی کرمان و کوچانیدن یکعده از اهالی را بدماوند و میاندوآب- قتل‏عام اهالی تفلیس و سوء معامله با بقایای افشاریه و زندیه عینا معاملات‏ چنگیز خان است-تظاهر بدعا و اوراد و تملق از بعضی ملانماهای معاصر شیوهء مرحوم شاه سلطان حسین است که عجز ذاتی شاه نوتخت و نداشتن‏ فکر اساسی و عزم در تدبیر ملک از آن تظاهرات یک حجاب زیبائی روی‏ اعمال زشت خویش می‏کشیده است.

سرسلسلهء قاجاریه دسیسه‏کار و دروغ‏گو و بیقول و عهدشکن و خسیس‏ و بدخواه نوع بشر بوده است حتی با برادر خود بدعهدی و پیمان‏شکنی را مجری داشت ولی در عین‏حال که بهیچ دینی معتقد نبود ریاکار و مزور غریبی بود.کرارا در حین اشتغال بفجائع و اعمال سبعانه زیارت عاشورا میخواند.قسمت اعمال شرم‏آور و ننگین او که بوسیلهء غنجی ویردی‏ در ملاء مجری می‏شده است بهتر آنست که ناگفته بماند-شرکت‏ با گداها برای اخذ و عمل از اطرافیانش درجه پستی طبع و خست ذاتی‏ او را میرساند.معامله‏ای که با یک نفر نجات‏بخش خود نموده است‏ و ذیلا درج میشود میزان حق‏شناسی و انسانیت او را میرساند:

وقتی در شکار حالت صرع معمولی باو دست داده از اسب افتاده‏ در باتلاق فرورفت یکی از سوارهایش اتفاقا رسید و بزحمت از باتلاق‏ بیرونش کشیده و از سرچشمه آب آورده برویش پاشید تا بحال آمده انگاه‏ بمأمن رسانیدش تاجدار قاجار یک اشرقی باو انعام داده و گفت حق تو بیش از اینها است و در آتیه انعام کاملی که تو را بی‏نیاز کند خواهم داد و لازم است بیک وسیله‏ای یادآوری کنی.بیچاره مرد بعد از مدتها انتظار بیادآوری موفق نشد تا روزی که اردو را سان میدید جلو رفت و نظر خود را بروی شاه دوخت همینکه شاه چشمش با چشم نجات بخشنده خود تصادف‏ نموده او را پیش طلبید و گفت خزانه دولت نمیتواند بیش از یک اشرفی‏ که مزد روزانه چند نفر عمله است برای کار چند ساعت تحمل کند و از طرفی هم چشمهای مرد نکوکار فرمان داد.علت قتل این مؤسس سلسله‏ برای یکعدد خربوزه اصفهانی بود که نوکرهایش خورده یا تفریط کرده‏ بودند آنانرا تهدید بقتل نمود ولی من باب تظاهر بنابر رویه مرحوم بی‏بی‏ شاه زینب اجراء امر را بروز بعد محول نمود.پیشخدمتهای دست از جان‏ شسته شبانه بقتلش مبادرت ورزیدند.انسلاخ گرجستان که همیشه‏ بایران باوفا و رخشنده‏ترین گوهرهای تاج صفوی و افشاری بود فقط بواسطه اعمال سبعانه آن چنگیز مخنث و بی‏ناموسهای شنیع صورت گرفت و رفته‏رفته رخنه در حدود مثل مرض شقاقلوس بداخله هم سرایت نمود. قفقاز هم در ضمن«فتوحات و جهانگشائی»خاقان مغفور بر باد رفت و روسیه در نتیجهء معاهده گلستان و ترکمان‏چای نه‏تنها کاپیتولاسیون را هم‏ بایران تحمیل نمود بلکه ضمانت تاج را برای اخلاف عباس میرزا نمود. این مطلب میرساند که قاجاریه خود را پادشاه ملی ایران نمی‏دانسته لاجرم‏ باین ننگ تن در دادند و بعبارة اخری ضد مدلول«با رعیت صلح کن و از جنک خصم ایمن نشین»با خصم سازش کرده که در ستیزه با ملت چیره‏ باشد.از وصایای آغا محمد خان است که ملت ایران همیشه باید فقیر باشد که هفتاد خانوارش بیک دیک محتاج شود.و نیز گفته است نوکر را باید مثل باز شکاری گرسنه داشت که هنگام مأموریت خوب بجان مردم‏ بیفتد.الحق اخلافش وصایایا و را کاملا رعایت نموده حتی درباریان و عمال انها هم رفته‏رفته اصل«الناس علی دین ملوکهم»را دستور خویش قرار دادند...

\*\*\*

سیاست داخلی‏ قاجاریه

سیاست داخلی قاجاریه عبارت بود از تکبرات‏ درباری حتی شاهزاده‏های درجه دویم هم خود را نیمه شاه گرفته واحدی را اذن جلوس نمیدادند... بالای احکام و ارقامی که بطور ناسخ و منسوخ‏ صادر می‏شد مهر نموده و در صدر آن«حکم والا شد»می‏نوشتند. با القاب و مناصب دولتی تجارت مسخره‏آمیزی می‏نموده و باین ترتیب‏ حقیقت را مستور و شرافت را معدوم می‏ساختند.با نداشتن قوه سپاهی‏ چندین هزار امیر تومان و میرپنج و سرتیپ درست کرده حتی در پست‏خانه‏ و تلگرافخانه که همه‏جا دوائر تجارتی محسوبند عده زیادی از این اسامی‏ بیمعنی دیده می‏شد.در باب عشایر و ایلات فقط القاء خلاف و بهم انداختن‏ رؤساء و احداث جنگهای داخلی را یگانه وسیله مطیع نگاهداشتن دانسته و همه‏روزه شراره جنگهای ایلی خرمن آسایش دهات مجاوره را توده‏ خاکستر می‏ساخت.اقتصاد غیر از حراج حکومتها و چپاول مستمر بوسایل‏ مبتدلانه از قبیل گرفتن تقدیمات در مهمانیها و فروختن مستمری و تیول و ترجیح نفع عاجل بر ضرر آجل و گرفتن رشوه و نظائر آن و بالاخره‏ خالصه‏فروشی‏1و بعد از آن استقراض خارجی معنی دیگری نزد آنها نداشت.بفضل و دانش هم قدر و قیمتی نمیگذاشتند.

از عصر فتحعلی شاه تا اوائل مشروطیت هر چندی یکدفعه دربار قجر بهوس یا تظاهر چند نفر شاگرد باروپا فرستاده یا معلم از اروپا وارد کرده ولی در عین‏حال با تمام قوا از پیشرفت علم جلوگیری مینمود. نسبت بعلوم قدیمه هم،اندک آثاری که اقبال آنها را به ترویج علوم مدلل‏ کند،باقی نگذاشته‏اند.

با مقایسه باعمال سلسله‏های دیگر سلطنت‏های گذشته بخوبی واضح‏ میشود که عصر قاجاریه از حیث مبانی و مؤسسات علمی ملی از فقیرترین‏ اعصار بوده است و بهیچوجه حاضر نبودند ولو برای تظاهر هم که باشد عمارات علیه برای مدارس بنا کنند در صورتیکه ضعیف‏ترین پادشاهان‏ صفویه شاه سلطانحسین مثل مدرسه چهار باغ که یکی از قصور باشکوه‏ تاریخی محسوب است بیادگار گذاشته.بلی قاجاریه عمارات زیادی برای‏ هوسرانی و عشرت خود ساخته‏اند و مبالغ خطیری در تزیین آن بکار برده‏ بقسمی که سر در اصطبل‏های متعدده را هم بکاشی مزین نموده ولی از بنای‏ مؤسسات خیریه بکلی دریغ ورزیده‏اند.

(1)خالصه‏فروشی ناصر الدین شاه و مظفر الدین شاه به تربیتی که‏ صورت گرفت یکعده فئودالهای گردن کلفت مفت‏بر و مدعی دولت ایجاد نموده در صورتیکه میتوانستند مطابق نقشه و دستور اساسی املاک را بزارعین تقسیم کند تا در نتیجه زحمت و کار خرده مالک ثروت مملکت‏ مضاعف شده و خطر اشراف بازی هم روی ندهد دو مدرسه عالی در عصر آنها ساخته شده یکی مدرسه خان مروی‏ و دیگری مدرسه سپهسالار و چون تولیت هر دو مدرسه با شاه بوده بطوریکه‏ مشهود همه‏کس است هر دو مدرسه کاروانسراهای موظفین شده‏اند و در نتیجه مدارس قدیمه را دچار خرابی ابدی ساختند در صورتیکه بمدارس‏ جدیده هم اعتنائی نمیکردند.

قاجاریه و سیاست‏ خارجی

قاجاریه در برابر روس و انگلیس و دول عالم کلیة زبون‏ و بی‏اراده بود الا اینکه بجهاتی جانب روسیه تزاری را ترجیح میدادند:اولا روسها انتقادی از اعمال آنها نکرده بعکس انکلیسهاگاهی وظائف بقاء و نقائص موجوده را گوشزد مینموده‏ و انتقاد و نصیحت در ذائقه جاهل همیشه تلخ و ناگوار باشد این است که‏ سیاست محافظه‏کاری روسرا بهتر پسندیده و از انکلیس باطا آزرده و بر حذر بودند علت دیگر آنکه روسهای تزاری با رژیم استبدادی معشوق ایلخانیهای‏ تخت‏نشین بود و دربار قاجار از سیاست پارلمانی انکلستان و حقوق ملی‏ کاملا بر کنار بوده است.علت دیگر روسها از خشکی متصل بحدود ایران بود و قوای بری جسیم آنها در نظر خداوندان خواجه‏سرایان و فرماندهان افواج شاطر و فراش و میرغضب و نسق‏چی مهیب مینمود و چون‏ همت تغییر وضع و اصلاح و ایجاد قشون را نداشته ناچار بدوستی شمال‏ تن در داده بودند ولی در عین‏حال از انکلیسها هم میترسیدند و هیچوقت‏ مخالفت آنها را روا نمیداشتند واقعه ذیلرا مرحوم دکتر حیدر میرزا که از ثقات و مردمان کارآگاه بود برای نکارنده از قول دکتر تلوزان از اطباء فرانسه طبیب دربار ناصر الدین شاه حکایت نمود:

وقتی بزحمات زیاد امتیاز سد اهواز را برای یک کمپانی فرانسوی‏ از شاه گرفتم دو شب بعد نیمه‏شب بدربار احضار شدم تصور کردم که‏ احضار ناگهانی مبنی بر مرض ناگهانی است که بشاه عارض شده است.

بشتاب تمام خود را در خوابگاه شاه رساندیم.بر خلاف آنچه تصور رفته‏ بود شاه را سالم ولی آشفتة و سرگشته یافتم بدون اینکه فرصت استعلام‏ علت احضار را بنمایم شاه خود سخن را آغاز و گفت دکتر من را خیلی‏ دوست داری جواب دادم پاس نعمت‏های شاهانه جان‏نثاری و اخلاص است‏ گفت اگر خلاصی من را از مهلکه‏ای به بذل نفس نفیس دانی دریغ‏ خواهی ورزید گفتم اعلیحضرتا با کمال اخلاص حتی جان خود را هم‏ در راه آسایش شاه نثار مینمایم گفت سوگند یاد کن سوگند موکد یاد نمودم سپس دستخط راجع بد اهواز را خواست که همانشب مسترد دارم.وفاء بعهد با عجله بمنزل برگشته دستخط را با خود آورده تقدیم‏ نمودم پس از دو دفعه خواندن و اطمینان باینکه عین نسخه است در بخاری‏ افکنده بسوزانید.آنگاه نفس راحتی کشید گفت الحمد اللّه از دست... خلاص شدم.

ناصر الدین شاه هرات را گرفت فناء دربار در برابر سیاست روس‏ انگلیس را بمعارضه و مدافعه انداخت که مبادا یک منزل روسیه بهند نزدیک‏ شود.شاه هرات را با افتضاح تخلیه نمود و چندی بعد مرو و آخال و قسمتی‏ از صحرای ترکمان را هم بروسیه پیشکش کرد.جای بسی تحر و شرمساری است که برای صحرای فیروزه که متمم این معامله است مبلغی‏ هم وجه نقد گرفته شده است....